

آشنایی با تبریز

تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی است. در 46 درجه و 25 دقیقه طول شرقی و 38 درجه و دو دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است ...



تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی است. در 46 درجه و 25 دقیقه طول شرقی و 38 درجه و دو دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است، ارتفاع آن از سطح دریا 1340 متر می باشد. با وسعتی حدود 11800 کیلومتر در قلمرو میانی خطه آذربایجان و در قسمت شرقی شمال دریاچه ارومیه و 619 کیلومتری غرب تهران قرار دارد و در 150 کیلومتری جنوب جلفا، مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. جمعیت تبریز بیش از یک و نیم میلیون نفر می باشد. تبریز از سمت جنوب به رشته کوه منفرد همیشه پر برف سهند و از شمال شرقی به کوه سرخ فام عون علی (عینالی) محدود می شود. رودخانه آجی چی (تلخه رود) از قسمت شمال و شمال غرب تبریز می گذرد و بعد از طی مسافتی قابل توجه در دشت تبریز به دریاچه ارومیه می ریزد و مهرانرود از میانه تبریز می گذرد که اکثراً در فصول مختلف سال بی آب است.

تبریز زمانی داری باغات و مزارع فرح انگیز و پرباوزه ی بود به همراه قنات ها و چشمه های متعدد که امروزه تمامی آن همه باغات و مزارع از میان رفته یا در حکم ازمیان رفتن است و گستره شهر پیرامون خود را به مناطق مسکونی، تجاری، اداری و صنعتی و خدماتی مبدل ساخته است.

شرح تبریز از گذشته های دور تا به امروز هرگز در قاموس سطرها و نوشته ها ننگیده است

پیشینه تبریز همواره در هاله ی از ابهام مستور بوده و امروزش نیز حکینگر غریب است. تاریخ تبریز در پیش از ظهور اسلام اسیر ظن ها و گمان ها و گاهی اغراض هاست و بعد از ظهور اسلام سیمی پر شکوهش نظر جهانیان را معطوف می سازد و در گستره وسیع حکومت اسلامی به « قبه الاسلام » مشهور می شود.

سپس در شاهراه ابریشم، شرق را با غرب پیوند می دهد و رونق اقتصادش به بنیان بازارها و کاروانسراهایی می انجامد که عظیم ترین مکان مسقف پهنه گیتی می گردد و ازین رو - رشک انگیز - داری شکوه مندترین ابنیه اعصار و مترقی ترین دانشگاه آن زمان ها - ربع رشیدی - می شود. بنیاد شهر تبریز و وجه تسمیه نامش افسانه ی را می ماند، گاهی بوی اغراض می دهد و برخی موارد نیز از ظن ها و گمان ها نشأت می گیرد.

زنده یاد عبدالعلی کارنگ در آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز) در باب وجه تسمیه تبریز می نویسد: کلمه تبریز را جغرافی نویسان عرب چون سماعی و یاقوت حموی به « کسر تاء » و جغرافی نویسان ایرانی و ترک چون حمد الله مستوفی و کاتب چلبی به « فتح تاء » و مورخان رومی و ارمنی و روسی چون فاوست، آسولیک، وارطان و خانیکف به « فتح تاء » قلب « باء »

به « واو » یعنی به صورت « تورز Tavrez » و « تورز Tavdrz »، « تورش avres » « دَورز Davrez » ذکر کرده اند.

درباره بنا و وجه تسمیه شهر تبریز حمدالله مستوفی و یاقوت حموی می نویسد: بنی تبریز از زبیده زن هارون الرشید است. وی به بیماری تب نوبه مبتلا بوده، روزی چند در آن حوالی اقامت کرده، در اثر هوی لطیف و دل انگیز آنجا بیماری زبیده زایل شده، فرموده شهری در آن محل بنا کنند و نام آن را « تب ریز » بگذارند.

اولیا چلبی کلمه « تبریز را به معنی ستمه دوکوجو » (ریزنده تف و تاب) و این نام را با آتشفشانی دیرین کوه سهند مربوط دانسته است.

زنده یاد کارنگ در ادامه می افزاید: مورخان ارمنی هم اسم تبریز را « تورز یا دورز » محرف عبارت « دَ، ی، ورز » و به معنی انتقال گاه دانسته و نوشته اند: بانی تبریز خسرو ارشاک (233 - 217 م) حکمران ارمنستان است که آن شهر را به یاد گرفتن انتقام « ارتیانوس » یا « اردوان » آخرین پادشاه پارتی ارز اردشیر بابکان بنیاد نهاده و نام آن را (Da - I - vrez) گذاشته است.

مؤلف آثار باستانی آذربایجان با افسانه شمردن موارد ذکر شده می نویسد: قدیمی ترین ذکر نام تبریز را در کتیبه سارگن دوم پادشاه آشور خواهیم یافت، شرقشناس شهیر فقید ولادیمیر مینورسکی می نویسد: « سارگن دوم در سال 714 قبل از میلاد به قصد تصرف ممالک اورارتو سفری به شمال غربی ایران کرد. از ناحیه سلیمانیه کنونی (واقع در کردستان عراق) داخل کردستان مکرکی شد. از پارسوا Parsua (پسوه کنونی) و ساحل جنوبی دریاچه ارومیه گذشت. از سوی شرقی دریاچه به راه خود ادامه داد و پس از پشت سر گذاشتن « اوشکایا » (اسکوی کنونی) قلعه « تارومی » یا « تارونی » و « ترماکیس » را گشود. بعید نیست یکی از این دو کلمه نام قدیمی تبریز کنونی باشد.

چنانچه در ابتدا اشاره شد پیشینه تبریز همواره در هاله ی از ابهام مستور بوده است و بنیاد و وجه تسمیه نامش گاهی افسانه ی، گاهی مغرضانه و گاهی نشأت گرفته از ظن ها و گمان ها می گردد. این که تبریز قبل از اسلام مکانی آباد و یا غیر آباد بوده است هنوز سند محکمه پسندی در میان نیست حتی در اوایل ظهور اسلام نیز در حمله اعراب به آذربایجان نامی از تبریز دیده نمی شود. تنها اشاره دقیق و مستند مربوط به زمان سلسله روادیان است که در زمان خلافت متوکل عباسی، رواد ازدی از اهالی یمن در آذربایجان به حکمرانی پرداخت و در زمان او و فرزندانش تبریز رو به آبادی نهاد و دور شهر را بارو کشیدند. از آن زمان به بعد تبریز با سپری ساختن وقایع تلخ و شیرین آوازه ی جهانی یافت. اوصافی که در طول تاریخ از تبریز شده است به اجمال چنین است:

در قرن چهارم هجری یاقوت حموی تبریز را مشهورترین شهر آذربایجان می خواند. ابو حوقل در 367 و ابن مسکویه در 421 و ناصر خسرو در 438 تبریز را بزرگترین و آبادترین شهر آذربایجان می خواند.

در سال 618 لشکر مغول به پشت دروازه های تبریز می رسند، اما تدابیر شایان تقدیر بزرگان شهر تبریز را از حمله مغولان مصون نگه می دارد و مردم تبریز با بذل مال شهر را از کشتار و ویرانی رها می سازند. البته این اتفاق سه بار تکرار می شود و در هر سه بار مردم متمول تبریز همان تدبیر را به کار می بندند تا این که در سال 638 هجری قمری مغول ها به سراسر آذربایجان مسلط می شوند و تبریز را پایتخت خود قرار می دهند که در زمان غازان خان تبریز شکوه ویژه ی می یابد. شنب غازان با ابهت تاریخی اش چشم ها را خیره می سازد. خواجه رشید الدین فضل الله وزیر اندیشمند ایلخانیان ربع رشیدی را بنیاد می نهد که در زمان خود عظیم ترین مرکز علمی - فرهنگی به شمار می رود و از آن همه مجد و عظمت اینک ویرانه هایی از برج های ربع رشیدی در میان محله ی باقی مانده است.

این شهر در طول تاریخ دوره های طلائی متعددی را سپری ساخته است. دوران پایتختی، دوران ولیعهد نشینی، دوران شکوفایی تجاری، اقتصادی، هنری و زمانی مکتب تبریز در عرصه هنر تحول شگرفی را موجب می گردد که امروزه آثار کم نظیر آن دوره زینت بخش موزه های جهان است. مردان و زنان نامداری از این شهر برخاسته

اند، کعبه ملي روم، ميعادگاه عرفا، شعرا اندیشمندان و بزرگان بوده است. به همین خاطر تبریز یگانه شهري است که صاحب مقبره الشعر است. مقبره ي که خاقاني ها، همام ها، قطران ها و سرانجام واپسين مقتدر آسمان شعر و ادب شهريار شیرين سخن در آن مکان مقدس آرمیده است. اگر چه از بلایي زميني و آسماني در امان نمانده است، زلزله ها، سيل ها ، بیماری هي واگیر ، جنگ ها و .. تبریز را آشفته ، اما باز این شهر همیشه سرفراز به قول آقي یحیی ذکاء ، هر بار از زیر ویرانه ها و خاکسترهي شهر پیشین همچون سمندري، زنده تر و سرفرازانه تر قد برافراشته ، زندگی از سر گرفته و هیچگاه زبون پیشامدها و بازی هي روزگار نگردیده است. میر علي تبريزي واضع خط نستعلیق، پیر سید احمد تبريزي استاد کمال الدین بهزاد و از جمله هنرمنداني بودند که تحولي در عرصه دنياي هنر آن روزگاد پدید آوردند. در زمان صفويه این اقتدار هنري در تبریز به اوج خود رسید اما جنگ صفويان با دولت عثماني آنچه را که یافته شده بود پنبه ساخت و از تبریز و از آن هم مجد و عظمتش جز کشتزارهايي سوخته و کوشک هايي ویران چيزي بر جي نماند و پایتخت به اصفهان منتقل شد و هر چه استاد و هنرمند و اندیشمند بود به اصفهان کوچید و بناهي عظيم اصفهان که امروز مایه مباهات کشورمان است به دست کوچندگان تبریز و هنرمندان این خطه بنیاد شد و پادشاهان صفوي که پادشاهاني فرهنگ دوست و هنر پرور بودند اصفهان را نگین ایران ساختند و همي سعادت از فراز آذربایجان بویژه ، تبریز پر کشید و بر سر اصفهان سایه افکند.

تبریز گذشته از آنچه ذکرش رفت، در امور بنيادي نیز همواره پیشگام بوده است و شاهد این مدعا قیام ها و تحول هي فرهنگي ، هنري و صنعتي است که شاهد آن بوده ایم و هستیم. نقش بنيادي تبریز در نهضت تنباکو به استناد مدارک وجود حقانيت مبداء نهضت تنباکو از تبریز را به اثبات مي رساند که در پي آن ميرزي شیرازي فتوي معروف خود را صادر مي کند و شرح واقعه به قلم پژوهشگر ارجمند آقي صمد سرداري نیا تحت عنوان « تبریز در نهضت تنباکو» به انجام رسیده است. قیام عظيم مشروطيت و نقش تبریز در اعطای مشروطه به مردم آن زمان امر مبرهني است که حکایتگر دليري مردان پولادين اراده ي چون زنده يادان ستارخان سردار ملي، باقرخان سالار ملي ثقة الاسلام، شيخ محمدخياباني، علي مسيو، حسين خان باغبان و ... است.

بعد از قیام مشروطه و وقایع مختلف، تبریز پس از سپري ساختن سال هي بحراني 20 الي 25 سال 1332 در نهضت ملي ساختن نفت يکي از ارکان حرکت هي آن زمان در سراسر کشور به شمار مي رفت و گواه این ادعا، صفحه هي حاكي شور و حال انقلابي مطبوعات تبریز در آن سال هاست و ملاقات هي شادروان سيد اسماعيل پیمان با آیت ... کاشاني و دکتر مصدق مي باشد. در نهضت خرداد سال 1342 نیز بازاریان با بستند بازار و خطبي تبریز با ایراد سخنراني هي مهم و پخش شب نامه ها و حرکت هي اصیل انقلابي دين خود را ادا کردند و سرانجام در 29 بهمن سال 56 با حرکتي توفنده بنیاد شاهنشاهي 2500 ساله را به لرزه درآوردند و عظمت واقعه به قدری غير منتظره و خارق العاده بود که رژیم شاهي را دچار سردرگمي ساخت و ساواک با تمامی ادعاهي پرطمطراق خود عاجزانه به تقلا برخاست.

آنچه رفت مختصري بود از تبریز و وقایع تاريخي فرهنگي آن. اینک به شرح مختصر يکايک موارد شایان توجه اکتفا مي شود. با این امید که این سطور در شناساندن سيمي تبریز بري هر صاحب اشتياقي سودمند واقع شود.